

زبان فرهنگستان

بقلم استاد فاضل آقای

دکتر رضا زاده شفق

آقای مدیر دانشمند ارمغان را پس از درود مصلح است

با اینکه در این ایام ذوق مقاله نویسی در خویشتن نمیدیدم مطالعه مضمون « کتب درسی » که در شماره ۷ مهر ماه مجله عالی ارمغان مرقوم فرموده بودند بنده را واداشت سخنی چند در این باب برسم یادداشت بنویسم زیرا میدانم مطالب بی ریا و علمی در صفحات ارمغان جا دارد و گرفتار هو و جنجال نمیشود و خود آنجناب مرد سنجیده دانشمندی هستند و از انصاف نمی گذرند. در باب بعضی تند رویها یا بی دقتی ها که در فرهنگستان روی داده اینجناب حتی در مواقعی که انتقاد و تحقیق دشوار بود بیریا و آشکارا اظهار نظر کرده ام و اکنون که آثار یکنوع بازگشت و عکس العمل در گفته ها و نوشته های برخی پدیدار است مقتضی میدانم رایج بازار حرف بزیم پس مد پرستی و فرصتجویی را بدیگران وا میگذارم فقط نظرم میرسد بحکم آنچه که در فوق در باب بیطرفی مجله ارمغان اشاره شد از اظهار ملاحظه زیرین خود داری نکند: در کتاب آمار آقای دکتر افضل پور و اثرهای تازه یا سنجدیده زیاد است و برخی از آنها خود ایشان بدون دخالت فرهنگستان کار رده اند (۱)

۱ - تمام اشکالات بر همین کار وارد است که این کتاب بزبان فارسی نیست کلمات و لغات خواه خودشان آورده اند و خواه فرهنگستان همه غلط و ترکیبات و عبارات مخالف اصول زبان فارسی است و مسلم خود مؤلف هم در مراجعه ثانوی از درک و فهم چنین زبان و اسلوب عاجز خواهد ماند اگر بزبان فرانسه یا انگلیسی این کتاب تألیف شده بود البته بهتر از این زبان بود که بهج نژاد و کشوری منسوب نیست و اگر این اسلوب قال خرده گیری نبود آن استاد فاضل محترم هم (فرهنگ شاهنامه) خود را باین زبان مینوشت نه بزبان فارسی .

شاید میتوان بجای برخی از آن کلمات فارسی بهتر و رساتر و درست تر پیدا نمود با تمام این اعترافات حق ایشان را هم نباید بدین سادگی ضایع کرد و به مجرد اینکه جمله های ایشان را نمیشود فهمید مورد اعتراض قرار داد این کتاب مربوطست بعلم آمار و آن از جمله علوم بیست که نه تنها در منظومه علوم ما بدین نحو نه از حیث معنی و نه از جهت لفظ سابقه نداشت بلکه در مغرب زمین هم تازه گسی دارد (۱). این علم هم مانند علوم دیگر اصطلاحات خاص فنی دارد و باید مقابل فارسی برای آن اصطلاحات پیدا نمود تا بتوان مطلب را ادا کرد. اصطلاحات فنی را در هر زبان باشد همه کس نمیفهمد و نفهمیده شدن يك کتاب ازین حیث دلیل غلط بودن آن نمیشود. علم آمار را با کلمات حافظ یاسعدی یا و صاف و مرزان نامه نمیتوان ادا کرد. متن انگلیسی یا فرانسوی یا آلمانی همین قبیل کتابها راهم مردمی از آنان که اهل فن نیستند نمیفهمند. داشتن ادبیات وسیع و افتخار شاعران و گویندگانی مانند فردوسی و خیام و سعدی و حافظ بهیچوجه ما را از علوم و فنون عصر که پایه ترقیات جهان و مایه زندگی مردمانست مستثنی نمیکند علوم تازه اصطلاحات لازم دارد و باید تهیه گردد و در این مورد هیچگونه اعتراض و داد و بیداد ادبی تأثیری نخواهد داشت علوم و فنون عصر باید به زبان فارسی نقل بشود و هر علمی اصطلاحاتی میخواهد و در ادبیات گذشته ما بطور حتم نمیتوان مقابل برای تمام آن اصطلاحات پیدا نمود و اگر بر فرض بخواهیم عین هزارها اصطلاح خارجی را بکار بریم در آن صورت باید زبان فارسی را ترك کرده زبان بیگانه چیز بنویسیم. بدیهی است در این نقل یا

(۱) بنا بر این در هر مملکتی علم آمار هست يك زبان با اسلوب و ترکیبات تازه وضع شده است و آن زبان مخصوص علم آمار است اگر چنین باشد در انگلستان و فرانسه و آلمان هم زبان علمای آمار غیر از زبان کنونی آنان باشد مؤلف ما هم کار بی سابقه نکرده اند.

ترجمه یا وضع یا جعل نهایت دقت باید بکار رود. در گذشته نیز ایرانیان همین کار را کردند یعنی برای علوم اصطلاحات پیدا نمودند نهایت چون اغلب علوم آنزمان مانند فلسفه و علوم دینی و ادبی بزبان عربی بود و آن زمان هم با فارسی اختلاط پیدا کرده بود از آن زبان گرفتند آن اصطلاحات را هم غیر اهل فن حتی اشخاص فاضل با سواد حتی اکنون که هزارسالست در زبان ما موجود است نمی فهمند. مثلاً اصطلاحات «نصاب» و «و» «ارتماس» و «قصر» و «عمرة» و «مباراة» و «مساقاة» در فقه یا اصطلاحات «الف لام عهد خارجی» در نحو و «عدم و ملکه» در حکمت و «قضیه شایع صناعی» در منطق برای غیر اهلش سر تا سر مجهول و نامفهوم است (۱). باز اینها اصطلاحات علوم است عجب آنکه برخی متظاهران و عبارت پردازان در اغلب موارد کلمات بی لزومی را محض فصاحت مآبی و فضیلت انتسابی در نوشتههای ادبی بکار بردند و کار را بجائی رساندند که الحق خود عربها از فهمیدن آن کلمات غامض ثقیل عجب و غریب عاجز ماندند. برخی از اهل ذوق و ادب هم محض بازی با الفاظ و تلمیح آنگونه عبارات را استعمال کردند و

(۱) اصطلاحات فنی موضوع دیگری است و خراب کردن زبان بسبب لغت های جعلی و ترکیبات نامتناسب بی سابقه چیز دیگر است بسیاری از علوم قدیمه و جدیده بزبان فارسی تألیف شده و چون در الفاظ و نحو و صرف فارسی و ترکیبات زبان تغییری نداده اند. با اینکه فهمیدن آن علم برای غیر اهل علم ممکن نیست ولی همه کس تصدیق میکنند که زبان فارسی است. برای اثبات دعوی خراشمقدم بکتاب خلاصه الحساب شیخ بهائی و صرفه بر میرسد شریف و کتاب نقایس الفنون که تمام علوم حکم و شرعی و ریاضی را تقریباً صد و بیست و پنج علم بزبان فارسی شیوا تألیف کرده مراجعه فرمائید این کتب با شیوا ترین زبان و بیان فارسی تألیف شده اصطلاحات علوم هم تمام در آنها غیر از اهل فن هم کسی نمی فهمد ولی همه کس معترفست که زبان فارسی است.

کتاب زادالمسافر حکیم ناصر خسرو در تألیف علوم حکمت و نجوم و غیرها بفارسی سرآمد تمام این کتب است و هیچ در زبان و انشای فارسی تغییری نداده و زبان را خراب نکرده است و شاید سبب خراب نکردن زبان نبودن فرهنگستان بوده است

ایک نمونه ای از این قسم اخیر را ادیب اربیب آقای وحید شنیدید بدون اینکه خود در این موقع قصدی داشته باشند درست پس از آوردن نمونه کتب آقای افضل پور از استاد کمال الدین بدست داده اند (۱).

(۱) در اینجا استاد فاضل معترم مکتوب استاد کمال الدین را که در شماره ۷ مهر ماه ۱۳۲۰ نقل شده و مشتمل بر لغات عربی بسیارست برهان صحت این روش که مسخ زبان فارسی است قرار داده اند. مناسفانه چون سایر صفحات این شماره قبل ازین موقع چاپ شده از نگارش بقیه مقاله اینک محروم مانده و خوانندگانرا توجه میدهم که عین مکتوب کمال الدین را در شماره هفتم بدقت بخوانند و در اینجا فقط جواب میپردازیم.



جواب اینست که در عصر استاد کمال الدین بتازگی دربارهای پادشاهان ایران از مکاتبات عربی دست برداشته و پارسی پرداخته بودند و روش مکاتبه با سلاطین و بزرگان عصر بهمین گونه بوده چنانکه چندین نامه دیگر از حکیم خاقانی و حکیم سنائی و دیگران ما در مجله نقل کرده ایم و همه بهمین سبک و همین روش و مشتمل بر کلمات عربی بسیار میباشد ولی هیچکدام لغت از خود جعل نکرده و اصول و قواعد زبان فارسی را بهم نزده اند کلماتی هم که امروز در نظر ما غریب میآیند در آزمان که عربی رایج دربار و بازار بوده غریب نبوده اند.

بعلاوه موضوع مورد بحث ما غرایب الفاظ نیست زیرا غریب بودن یا نبودن مرواظ بفصاحت و بلاغت کلام است و اگر مکتوب استاد کمال الدین غرایب الفاظ داشته باشد فصاحت ندارد بلکه موضوع بحث الفاظ جمعی ناهنجار و ترکیب و اسلوب غلط ناهموار و مخالف نحو و صرف و اساس زبان فارسی است. انصاف میطلبم هرگاه کلمات غریبه عربی را نباید در زبان فارسی راه داد بجه دلیل کلمات جمعی بی معنی از قبیل واژه - ستاد ارتش - تخیشتائی - ماوان و جاشوان - را راه باید داد اصول ترکیب و تألیف فارسی را باید برهم زد و چرا دلیل خرابی را ریشه اوستائی موهوم یا پهلوی معدوم باید قرارداد اگر ریشه دلیل بر لزوم تغییر کلمات است اولاتمام زبانها از یک ریشه الفبا هستند و ثانیاً اگر ریشه بر شاخه و میوه مقدم است باید تمام درختها را بسلیقه فرهنگستان از جای کنده شاخه‌ها را بر زمین فرو برده ریشه‌ها را در هوا قرارداد تا میوه شیرین فرهنگستانی بدست آید !!

در خانه باردیگر تکرار میکنم که هرگاه علم آمار در هر مملکت و کشور زبان مخصوص و لغت نو لازم دارد. پس تاکنون بایستی برای این علم ریشه دست کم صد زبان و لغت نو جعل و ایجاد شده باشد و در اینصورت در ایران هم البته برای یک زبان جمعی نوظهور مانعی نیست.